



ملاحظات بر آسیب‌شناسی تعامل بانک مرکزی و مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز

أ. مقدمه:

بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری، بنگاه‌هایی هستند که تفاوت‌های بنیادی با بنگاه‌های اقتصادی تولیدکننده کالا و خدمات دارند. در بنگاه تولید کالا، سرمایه‌گذار ضامن همه فعالیت‌های تولیدی خویش است و تا ریسک نپذیرد سودی در کار نیست. ولی بانکداران با انباشت سرمایه مردم، تسهیلات و خدمات مالی می‌دهند و کسب درآمد می‌کنند. از سوی دیگر، مهم‌ترین وظیفه بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است که جز با مهار و مدیریت خلق پول مقدور نیست. هدفی که در سایه مهار بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به دست می‌آید؛ تمامی این قدرت و ثروت اقتصادی، یعنی چه کاسبی با سرمایه مردم و چه قدرت خلق پول، متکی بر اعتماد عمومی به بانک‌ها است که این خود، محصول اعتبار و تأیید دولت و بانک مرکزی است. پس دولت و بانک مرکزی مکلفند طرز بهره‌گیری از این قدرت را که به ملت تعلق دارد، به سود اقتصاد ملی و مردم کنترل کنند.

در دو دهه اخیر در ایران شاهد ظهور مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجازی بوده‌ایم که چون بانک مرکزی به تکلیف فوق‌الذکر عمل نکرد، توانستند با سوءاستفاده از دارایی مردم و با خلق نامناسب پول، ضمن چپاول اموال دیگران اقتصاد ملی را مختل سازند و زیان‌های سنگین و بعضاً غیرقابل جبران بر کشور و مردم تحمیل کنند. برای ترمیم این لطمات، شناسایی مجاری و زمینه‌های این فساد بزرگ ضروری است.

ب. مسئله‌شناسی: طرح مسئله از نگاه بانک مرکزی

«یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که نظام پولی کشور طی سال‌های اخیر با آن مواجه بوده است، فعالیت نهادهای فاقد مجوز در بازار پول است. نهادهای مزبور بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی، عمدتاً تحت پوشش عناوین مقدس و مورد احترام جامعه تأسیس شده و با وعده‌های فریبنده و گمراه‌کننده، به عملیات بانکی اشتغال دارند؛ که نتیجه‌ای جز انحراف جریان سالم نقدینگی... به همراه ندارد. این امر، علاوه بر ایجاد بی‌نظمی و تلاطم در سایر بخش‌های اقتصادی از جمله بازار مسکن، ارز، طلا و... موجب نارضایتی مردم و مسئولان شده و تبدیل به یکی از موانع بزرگ دستیابی به اقتصادی سالم و پویا شده‌اند. فعالیت مؤسسات مزبور، به دلیل ناتوانی در مدیریت صحیح ریسک‌ها و عدم رعایت مقررات، شرایط بسیار خطرناکی را برای بازار پول ایجاد کرده و با به مخاطره انداختن منابع سپرده‌گذاران، فضای امنیتی و روانی جامعه را با چالش جدی مواجه کرده است، به نحوی که تاکنون فروپاشی و انحلال نمونه‌هایی از این قبیل مؤسسات باعث از بین رفتن سپرده‌ها، منابع مردمی و مشکلات عدیده در زمینه‌های مختلف شده است»^۱

این کار جز با حمایت مجرمانه دستگاه‌های ذیربط به ویژه بانک مرکزی به واسطه فعل یا ترک فعل‌های قانون‌شکنانه ناممکن است.

۱. نامه شماره ۹۵/۴۱۰۴۴ خ م - مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۲ دبیر کل بانک مرکزی به احمد توکلی، نماینده مجلس شورای اسلامی

خود بانک مرکزی تبعات این وضعیت را چنین توصیف می‌کند:

«اخلال در سیاست‌های پولی کشور؛ تشدید بحران‌های اجتماعی؛ بروز شرایط بحرانی؛ شرایط بسیار خطرناک برای بازار پول؛ از بین بردن سپرده‌های مردم؛ سلب اعتماد از نظام پولی و بانکی کشور؛ بروز تنش‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی؛ افزایش هزینه تولید؛ افزایش نرخ تورم؛ اختلال و ناپایداری در بازار مسکن، سکه و ارز...»

تعاونی‌ها یا همان مؤسسات غیرمجاز تقریباً هیچ قانونی را رعایت نمی‌کردند:

- با نقض ۴ حکم قانونی، به غیرعضو خدمات مالی می‌دادند؛
- با نقض حکم دیگری، شعب را اضافه می‌کردند و با نقض قانون و مقررات قانونی برای هیچ‌کدام از ۱۰۰ تا ۶۰۰ شعبه‌ای که هر یک از آن‌ها داشتند، یک جواز هم از بانک مرکزی نداشتند؛
- بر خلاف احکام قانونی، بیشتر سپرده‌های مردم را برای خرید ملک بکار گرفتند؛
- بر خلاف حکم قانون با نرخ سود بالاتر از نرخ تعیینی بانک مرکزی کار می‌کردند. از این طریق، سیاست‌های پولی را بی‌خاصیت می‌کردند؛
- منابع را بر خلاف قوانین، به بستگان، دوستان و صاحبان نفوذ تخصیص می‌دادند؛ و ده‌ها قانون‌شکنی دیگر نیز مرتکب شده‌اند. اینان لااقل ۵ قانون مادر در امور بانکی، تجاری و اقتصادی و ده‌ها آئین‌نامه و دستورالعمل قانونی را زیر پا گذاشتند.

در اواخر سال ۱۳۸۹ به اسم ساماندهی، ۶۷ تعاونی قانون‌شکن را ذیل ۱۰ تعاونی بزرگ‌تر از این مجموعه قراردادند و به نحوی آن‌ها را در قالب مؤسسات مالی و اعتباری متشکل کردند تا از آن پس با حمایت قانون و بی‌دغدغه، به روش مخرب خویش و فساد و افسادشان ادامه دهند. آن‌ها به دریافت سند مشروعیت رسمی تحت عنوان «مؤسسه مالی و اعتباری فلان- در شرف تأسیس تحت نظارت بانک مرکزی» نائل آمدند. این مشروعیت‌بخشی در حالی صورت می‌گیرد که گردن‌کشی و چپاول اموال مردم و تخریب اقتصاد ملی ادامه دارد. بانک مرکزی به جای انجام وظیفه قانونی در برخورد و انحلال آن‌ها، چتر حمایت بر سرشان می‌گیرد.

ج. جایگاه قانونی بانک مرکزی

آیا پیشگیری از لطمات سنگین اقتصادی مؤسسات ناسالم توسط بانک مرکزی مقدور بوده است؟!

پاسخ این پرسش کلیدی، صددرصد مثبت است. دلایل، وجود قوانین محکمی است که اختیار و تکلیف و

قدرت کافی را در دست بانک مرکزی قرار داده است:

۱. قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، بانک مرکزی را مسئول «نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری» می‌شمارد. اگر مؤسسه اعتباری یا بانکی برخلاف این قانون و برخلاف دستورات بانک مرکزی عمل کند، بانک مرکزی مکلف به لغو جواز تأسیس آن مؤسسه بوده و از تاریخ الغای جواز، با دستور بانک مرکزی عمل خواهد کرد؛ و «در صورتی که توقف یا ورشکستگی بانکی اعلام شود، دادگاه قبل از هرگونه اتخاذ تصمیم نظر بانک مرکزی ایران را جلب خواهد کرد» و رأی دادگاه نیز «با توجه به نظر بانک مرکزی ایران و دلایل موجود در پرونده»

- صادر می‌شود. لذا روشن است که بانک مرکزی اختیار، صلاحیت و توانایی کافی قانونی داشته است تا قاطعانه هرگونه بی‌نظمی و تخلفی را در ارتباط با تنظیم نظام پولی و اعتباری کشور سرکوب کند.
۲. در قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب ۱۳۸۳، این قدرت بانک مرکزی تقویت می‌شود: «اشتغال به عملیات بانکی توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی تحت هر عنوان و تأسیس و ثبت هرگونه تشکل برای انجام عملیات بانکی، بدون دریافت مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است»
۳. طبق مقررات قانونی دیگری^۱، «فعالیت شرکت‌های تعاونی اعتبار از مصادیق اشتغال به عملیات بانکی شناخته شده است»، پس درباره تعاونی‌ها نیز همان قدرت قاهره وجود داشته است. طبق همین مقررات، شرکت‌هایی که پیش از این مصوبه ایجاد شده‌اند، مجوز تأسیس نمی‌خواهند، «لیکن لازم است فعالیت خود را با مفاد این دستورالعمل منطبق کرده و مجوز فعالیت را از بانک مرکزی دریافت نمایند.» تعاونی اعتبار تحت نظارت بانک مرکزی فعالیت می‌کند و باید دستورات آن را رعایت کند؛ و پس از ابلاغ تخلف باید فوراً اصلاحات را اعمال کند.
۴. بانک مرکزی حق تعلیق جواز فعالیت تعاونی و اعلام به نیروی انتظامی برای توقف کار تعاونی را دارد؛ و حسب ضرورت از سایر اقدامات نظارتی و قضائی نیز می‌تواند بهره‌بردار. از جمله مقررات این مصوبه اخیرالذکر این است که «شرکت مجاز نیست قبل از اخذ مجوز فعالیت از هر عبارت و عنوانی که به نحوی تحت نظارت بانک مرکزی بودن را تداعی می‌کند، استفاده نماید.» حکمی که با بی‌پروایی آشکار نادیده گرفته شد و به چپاولگران این پاداش داده شد که بر سردر شعب خود بنویسند «تحت نظارت بانک مرکزی»

د. نمونه‌هایی از تخلفات مؤسسات مالی و اعتباری و اغماض و همراهی بانک مرکزی

- در برابر انواع قانون‌شکنی‌ها و گردنکش‌ها و حرص و آز این مؤسسات و شرکت‌های غیرقانونی، آنچه از بانک مرکزی دیده شده است، انفعال، اغماض، همراهی، تلون تصمیم و ضعف برخورد و... بوده است. به چند نمونه توجه بفرمایید:
- بانک مرکزی در پایان سال ۹۰ به دلیل واریز به موقع سپرده قانونی، جایزه خوش‌حسابی سال ۹۰ را به مؤسسه مالی و اعتباری فرشتگان اعطا کرد! ولی با کمال تعجب، چند روز بعد، در تاریخ ۹۱/۱/۵، فرشتگان را فاقد مجوز اعلام می‌کند! و اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل آن را به دلیل پرداخت نامتعارف سود بانکی و بی‌اعتنایی به ضوابط و مقررات بانکی فاقد صلاحیت می‌خواند چگونه است که چند روز پیش از آن، به فرشتگان جایزه خوش‌حسابی داده بود؟!!
 - شگفت‌آورتر آن که تنها ۲ روز بعد از سلب صلاحیت فوق، در تاریخ ۹۱/۱/۷، اطلاعیه ۹۱/۱/۵ بانک مرکزی از سایت این بانک حذف می‌شود! و بانک اعلام می‌کند: با توجه به اینکه مؤسسه فرشتگان، روند اصلاحی برای ساماندهی را در پیش گرفته است، بنابراین تا زمان ساماندهی (حداکثر ۲ ماه) می‌تواند به فعالیت ادامه دهد!

۲. دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر شرکت‌های تعاونی اعتبار بر اساس قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب جلسه ۱۰۹۲ شورای پول و اعتبار، به تاریخ ۱۳۸۶/۰۶/۰۳

• تعاونی آقای میرعلی، عنوان «مؤسسه مالی و اعتباری ثامن الحجج - در شرف تأسیس» را در روزهای آخر سال ۱۳۸۹ پاداش گرفت. این مشروعیت بخشی در حالی صورت می گیرد که بانک مرکزی، به مثابه نصیحت گری ناتوان، از عدم همکاری تعاونی میرعلی می نالد. به عنوان نمونه، از حکم مأموریت بازرسی به تاریخ ۱۳۸۹/۰۸/۳۰ یاد می کنیم که نتیجه اش گزارش نهایی مبنی بر عدم همکاری در تاریخ ۱۳۸۹/۰۹/۲۳ به مقامات بانک داده بود. با این حال، رئیس کل وقت، آقای بهمنی، در بهمن ۱۳۹۱ کتباً از آقای سید ابوالفضل میرعلی به خاطر همکاری مجدانه تقدیر می کند؛ اما رفتارهای متلون شک برانگیز ادامه دارد. در همین ماه تقدیر، یعنی بهمن ۱۳۹۱، حکم مأموریت بازرسی به تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۸ در سه مراجعه و سه چهار ماه بعد، حکم مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۹، در شش مراجعه بدون همکاری ابتر می ماند. در همان حال آقای میرعلی ناباورانه بر خلاف مصوبات شورای پول و اعتبار، با جواز و ابتکار بانک مرکزی، بنگاه خود را «مؤسسه مالی و اعتباری ثامن الحجج (ع) - تحت نظارت بانک مرکزی - در شرف تأسیس» می نامید و از اواخر سال ۱۳۹۱ در سربرگهایی به همین عنوان با بانک مرکزی مکاتبه می کرد. این تخلف به ظاهر شکلی که برای این فریبکار مشروعیت می ساخت و سپرده گذاران بیشتری را جذب موسسه وی می کرد، لااقل تا ۱۳۹۳/۰۳/۲۷ در مکاتبات با بانک مرکزی ادامه داشته است. در دولت یازدهم، مسئله کمی جدی تر گرفته شد. ولی باز هم اهمال در انجام وظائف قانونی آشکار بود؛ مثلاً پس از تذکرات متعدد برخی از نمایندگان مجلس و اصرار مستدل نماینده عضو ناظر مجلس در شورای پول و اعتبار، این شورا با اکثریت قاطع در تیرماه ۱۳۹۳ انحلال تعاونی و اعلام این تصمیم را به تصویب رساند. ولی تصمیم مذکور ۱۸ ماه بعد در دی ماه ۱۳۹۴ اجرایی و اعلام شد. یک سال و نیم، فرصتی طلایی بود برای جلب سپرده بیشتر از مردم و جابه جای املاک و اموال تا چپاول منابع مردم را توسعه دهد.

• بانک مرکزی در تاریخ ۹۲/۱۲/۲۹، اعلامیه واریز جایزه ۱۸ میلیارد ریالی سال ۱۳۹۲ سپرده قانونی فرشتگان را در اعلامیه ای خطاب به مؤسسه مالی و اعتباری فرشتگان ارسال می کند! در حالی که سه ماه پیش از آن، تعاونی فرشتگان رسماً منحل شده بود و باید شش ماه پیش از انحلال با تشکیل آرمان در آن ادغام شده باشد! تهرانفر، معاون نظارت بانک مرکزی در مصاحبه ای با سیما و خبرگزاری تسنیم در تاریخ ۹۴/۰۲/۲۸، اعلام می کند که موسسه فرشتگان وجود ندارد و فرشتگان در مؤسسه آرمان ادغام شده است در تاریخ ۹۴/۲/۳۱ یعنی ۳ روز بعد از مصاحبه تهرانفر، مؤسسه اعتباری آرمان در فهرست مؤسسات مجاز و محق در استفاده از خدمات بانکی قرار داده می شود. این، یعنی آرمان موفق شده است همه مقررات مربوط را رعایت کند و مؤسسه فرشتگان هم دیگر وجود ندارد، چون در آرمان ادغام شده است، ولی با کمال تعجب چهار روز بعد در تاریخ ۹۴/۳/۴ اداره سازمان و بهبود روش های بانک مرکزی به کلیه واحدهای بانکی و مؤسسات مالی و اعتباری اعلام می کند مؤسسه مالی و اعتباری فرشتگان از شمول مؤسسات پولی و اعتباری فاقد مجوز خارج شده و ارائه خدمات بانکی به آن بلامانع است! این ها نشانه علم و توانایی و سلامت است؟ یا علامت جهل و ناتوانی و فساد؟

این رفتارهای زیگزاگی و متناقض چه بر سر اعتماد مردم به بانک مرکزی و این بی‌اعتمادی چه بر سر سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال می‌آورد؟!

- خانواده تفکر، مالک اصلی فرشتگان است. شخص رضا تفکر فرزند محمدعلی تفکر دارای شرکت‌های سوله و سقف و گروه باهر و باهر کیش و غیره در مقطع زمانی ۹۵/۱/۵ الی ۹۵/۵/۱۰، طی ۴ ماه، مبلغ ۴۴/۶ میلیارد تومان از شعب مختلف مؤسسه برداشت نموده است^۳ (پیوست ۱۹) که نقل و انتقال این حجم پول توسط یک شخص حقیقی آن هم از مؤسسه‌ای در حال تصفیه و بحران‌زده، نشان‌دهنده سوء جریان مالی در این جابجایی‌ها است. اگر برداشت از منابع فرشتگان را تنها برای محمدعلی تفکر و فرزندان وی (رضا، احمد، ملیحه، نرگس، فاطمه و لیلی) و دو همسرش (زهرا چرخ‌کاران و شیرین پورعلی) را جمع کنیم (بدون لحاظ کردن عروس‌ها)، فقط این پدر و مادر و فرزندان، نزدیک به ۷۴ میلیارد تومان (شامل ۴۴/۶ میلیارد تومان فوق‌الذکر) از حساب مؤسسه برداشت و خارج کرده‌اند. پیش از آن‌که به قانون‌شکنی‌های مسئولان دولتی پردازیم لازم است توجه شود که فرشتگان، آرمان، آرمان ایرانیان و کاسپین کم‌وبیش یکی هستند و حکمت تغییر نام‌ها نیز باید معلوم شود. درعین حال، در این بخش رفتارهای غیرقانونی، متناقض، هرج‌ومرجی، منفعلانه، جاهلانه یا خائنانه از دستگاه‌های دولتی در این پرونده به‌روشنی مشهود است.

۵. پس از بروز بحران چه گذشت؟

آنچه در این دوره بانک مرکزی و دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی بر سر مردم آوردند، خود قصه‌ی پر غصه‌ی دیگری است. کین زمان بگذار تا وقت دگر. تنها به این نکته مهم اشاره می‌کنم که وقتی طشت رسوایی اینان بر زمین افتاد، پای سران سه قوه به میان آمد، برای بانک مرکزی، شریک جرم ساخته شد. کار از سران قوا به نمایندگان آن‌ها و از آن‌ها به هیئت چهار نفره‌ی تسویه رسید که برای تصمیم‌گیری خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌دانند. پس از ماه‌ها هدررفت زمان، برای رسیدن به این تصمیم ناکارآمد، سپرده‌گذاران ناچار شدند به کرات دست به تحصن و راهپیمایی بزنند. با تصمیم درستی ابتدا حل مشکل صاحبان سپرده‌های کوچک اولویت یافت و حالا از بیش از چند صد هزار سپرده‌گذار تنها چند هزار نفر مانده‌اند که همگی بیش از یک میلیارد تومان سپرده داشته‌اند که تکلیفشان را روشن نمی‌کنند. تمامی پیشنهادهای دیده‌بان و سپرده‌گذاران برای تهاتر سپرده و املاک موجود بدون توجیه عقلانی و اقتصادی رد می‌شد. از دادن اطلاعات به ذینفعان احتراز می‌شد. هنوز میزان موجودی مؤسسات و تعاونی مورد بحث معلوم نیست. تمایل آشکاری به سود بانک‌های عامل وجود دارد. پنهان‌کاری و ناشفافی، باعث پذیرش هر اتهامی به بانک مرکزی را جا می‌اندازد. به عنوان نمونه، وضعیت سپرده‌گذاران آرمان وحدت را مثال می‌زنم که مؤسسه ملل بانک عامل آن شده است. در حالی که هیچ‌گاه تهاتر با سپرده‌گذاران را نپذیرفتند، حالا تصمیم گرفته‌اند املاک را به نرخ کارشناسی انجام شده در اردیبهشت ۹۷ که هنوز جهش نجومی قیمت در بخش مسکن و ساختمان، ناشی از

۳. با شماره مشتری ۱۰۶۴۳۸۳۱ و کد ملی ۶۵۳۱۸۶۴۵۲

بحران ارزی، در این بخش ظاهر نشده بود، به ملل واگذارند و مؤسسه ملل بهای اندک املاک را پس از دو سال تنفس، طی ۴ سال بعدی خواهد پرداخت!

آیا این نحوه رفتارها تنها از سر جهالت و ناتوانی مسئولان است؟ وقتی آقای درویشی معاون نظارت رئیس کل وقت، یعنی آقای محمود بهمنی رئیس اسبق بانک مرکزی که طبق قانون مسئول مستقیم برخورد با این دزدی‌ها است، خودش از سپرده‌گذاران ثامن الحجج باشد و پیش از آنکه خطری متوجه او شود، سپرده و سود غیرقانونی خود را دریافت می‌کند، نه بحث نادانی، بلکه صحبت از خیانت است. یا محمدعلی تفکر، فاسد و مفسد سابق الذکر، با یازده نفر از نمایندگان^۴ شرکت اقتصادی تأسیس کرده، ۵۵ درصد سهام را به نام خودش کرده و به هر نماینده ۲ درصد! سهم می‌دهد، نمایندگان هم با بی‌شرمی در سربرگ مجلس مکاتبات را انجام می‌دادند، آن هم به اسم حمایت از اقتصاد مقاومتی و در تبعیت از مقام معظم رهبری؟! پیوند ثروت و قدرت آشکار می‌شود.

وقتی رفتارهای متعارض و تصمیمات متلوّن و همچنین اغماض‌های عجیب و غریب و خلاف‌گویی‌ها، تأخیرهای غیرقابل توجیه و ... همه را در نظر آوریم، مطمئن می‌شویم که تنها ضعف مدیریت و جهالت، توضیح‌دهنده این رفتارها نیست؛ در اینجا دیگر تحلیل اقتصادی جوابگو نیست؛ بلکه نیروهای اطلاعاتی هستند که باید مدل توضیح‌دهنده این رفتار را پیدا کنند. چه کسی جز مسببان این جرائم، یعنی مقامات و مسئولان مرتبط بانک مرکزی و وزارتخانه‌های ذیربط؛ و نیز مباشران این جرائم، یعنی مدیران و مالکان تعاونی‌ها و مؤسسات، باید تاوان این فاجعه‌آفرینی‌ها را بدهند؟ تبعات این جنایت‌ها و خیانت‌ها نه تنها سپرده‌گذاران در مانده را به خاک نشانند؛ بلکه همه مردم را، به دلیل ضربه به اعتماد ملی تا مدت‌ها دچار زیان می‌کند.

قدر مسلم این است که سپرده‌گذاران را نمی‌توان مقصر شمرد. اینان به حکومت اعتماد کردند. دیدند مؤسساتی با صدها شعبه در سراسر کشور که به وسیله پلیس حفاظت می‌شوند، به عنوان حامی مالی سریال‌های ماه رمضان، در رسانه ملی تبلیغ می‌شوند، از خدمات بانک‌های دولتی بهره می‌گیرند و از همه مهم‌تر، بانک مرکزی آن‌ها را تحت نظارت خویش اعلام می‌کند، از مردم دعوت می‌کنند با سپردن پس‌اندازشان به آن‌ها، از شکوفایی تولید و اشتغال حمایت کنند. این تصویر درباره شرکت‌های سرمایه‌پذیری مانند پدیده و پردیسبان نیز تطبیق می‌کند. بر اساس چنین مقدماتی سپرده‌گذاری کردند؛ آن‌ها باید تشویق شوند یا تنبیه؟ برای اینکه به نقش تأیید حاکمیت، به ویژه بانک مرکزی در جلب سپرده و چند برابر شدن ابعاد فاجعه، پی ببریم، کافی است به سند محکم گزارش کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس رجوع کنیم:

۴. عطاءالله حکیمی رودبار (نماینده مجلس شورای اسلامی دوره هفتم و نهم)، منصور آرامی بندرعباس (دوره نهم)، مهناز بهمنی سراب (دوره نهم)، هادی قوامی اسفراین (دوره هشتم، نهم و دهم)، غلام‌محمد زارعی بویراحمد (دوره نهم و دهم)، سیدسعید زمانیان دهکردی شهرکرد (دوره نهم)، رحمت‌الله نوروزی علی‌آباد (دوره نهم)، نبی‌الله احمدی داراب (دوره نهم)، عمران علی‌محمدی ایلام (دوره نهم)، شهلا میرگلوی بیات ساوه (دوره نهم)، موسی احمدی عسلویه (دوره نهم)

«مجموع سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری ساماندهی شده، از زمان صدور مجوز [اسفند

۱۳۸۹] تا پایان سال ۱۳۹۵، از حدود ۷۰۰ هزار میلیارد ریال، به رقمی معادل ۳،۱۵۰ هزار

میلیارد ریال افزایش یافته است که در واقع افزایشی معادل ۴/۵ برابری را داشته است.»^۵

بنابراین بیشترین کمک را به این مؤسسات برای افزایش سپرده‌گذاری مردم، بانک مرکزی کرده است؛ و همین بانک با ترک وظائف خود سبب‌ساز فاجعه‌ای شد که آن را چنان توصیف می‌کند که خواندید. اگر بانک مرکزی به وظایف خود عمل کرده بود چنین فجایعی رخ می‌داد؟ علی‌القاعده جواب کرد؟ پاسخ در سه کلمه بیان شدنی است: فساد، جهالت و بی‌عرضگی!

بنا بر آنچه که تقدیم شد، بیشترین تقصیر بر عهده بانک مرکزی است، پس از آن نوبت به مدیران و سهام‌داران مؤسسات و بعد نهادهای دیگر حکومت می‌رسد و بسیار دشوار است بتوان تقصیری را متوجه مردم دانست!

و. راهبردهای پیشنهادی

۱. سران سه قوه را در شکل جمعی باید از مسئولیت حل مشکل معاف کرد. تنگنای فرصتی و تخصص در رشته‌های دیگر، باعث طولانی شدن تصمیم‌گیری و بیشتر شدن خسارت به مردم است. همچنین است هیئت سه نفره که سران محترم را نمایندگی می‌کنند. (در این هیئت نیز فقط یک اقتصاددان عضو است و دو نفر دیگر متخصص رشته‌های دیگرند.)
۲. توقف بی‌احترامی و تحقیر و تهدید نسبت به سپرده‌گذاران و لزوم تکریم آنان. شاید بیشترین آسیب را به سپرده‌گذاران تحقیر و حتی تهدیدی بوده است که هیئت تصفیه، به ویژه نماینده قوه قضائیه نسبت به آنان روا داشته است و از آن طریق، به سرمایه‌گذاری در کشور لطمه وارد کرده است، هیئت تصفیه فقط خود را پاسخگوی رؤسای قوا می‌داند ولی پاسخ درستی به سپرده‌گذاران نمی‌دهد.
۳. مشارکت دادن به سپرده‌گذاران، در این سال‌ها تمام کوشش دیده‌بان اقلان مسئولان ذیربط برای مشارکت سپرده‌گذاران در حل معضل، بی‌نتیجه بوده است. یکی از تبعات این بی‌اعتنایی، تدوین و تصویب طرح‌های به سبک قرارداد ترکمن‌چای بوده است که سپرده‌گذاران آن را یک طرفه به زیان خود می‌دیدند و در مقابل آن مقاومت می‌کردند.
۴. تقدم رتبی پیگرد قضایی مسئولان و مجریان در بانک مرکزی و دستگاه‌های دیگر، متأسفانه تاکنون رعایت نشده است. درحالی که روش حضرت علی علیه‌السلام و بسیاری از کشورها، چنین کرده و می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در سخن از جرائم ارزی، مسئولانی که سبب ویژه‌خواری ارزی شده‌اند را مقصرتر از قاچاقچی ارز و خریداران سکه و ارز برای قاچاق دانستند.

۵. دفتر مطالعات اقتصادی (۱۳۹۶) «ارزیابی عملکرد بانک مرکزی در ارتباط با مؤسسات اعتباری فاقد مجوز»، معاونت پژوهش‌های

اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آذر ۱۳۹۶، صفحه ۱۹، جدول ۶۵

۵. در نظر داشتن میزان نقش عوامل سابق‌الذکر در تعیین سهم از هزینه‌های جبران خسارات؛ با آنچه تقدیم شد، روشن است که بانک مرکزی برای وصول هزینه‌هایش باید به سراغ تصمیم‌گیرندگانی برود که مجرمیت آنان ثابت می‌شود و اگر بخشی از خسارت را بخواهند از موجودی و دارایی‌های این مؤسسات تأمین کنند، باید به انتهای صف طلبکاران برود. سپرده‌گذاران طبعاً در ابتدای صف خواهند بود.
۶. پرهیز جدی از پرداخت ربا؛ ادعای استحقاق سود برای سه چهار سال بلا تکلیفی نپذیرفتنی است؛ زیرا بلاشک ربا است. چون کاری صورت نگرفته تا سود درست شده باشد. گرچه نسبت به سودهای قبلاً پرداخت شده نیز شبهه وجود دارد.
۷. جبران تأخیرهای غیرمنطقی و شبهه برانگیز. این مشکل که بدون دلیل عقلی و علت موجهی دچار تأخیر شده و به معضل بدل گشته است، ارزش دارایی مالی سپرده‌گذاران باقی مانده را به یک چندم تنزل داده است. راه حل تفصیلی باید متضمن ارفاق نسبت به سپرده‌گذاران طلبکار باشد تا بخشی از خسارت‌ها جبران شود.
۸. تشکیل هیئت کارشناسی امین و تصمیم‌گیر؛ به جای سران سه قوه و هیئت سه نفره نماینده آنان، همچنین هیئت تصفیه، کار بررسی معضل و حل آن به هیئتی مرکب از سه خبره اقتصادی، بانکی و مالی، ترجیحاً از اصحاب کسب و کار، به انتخاب سران سه قوه، سه نفر خبره از کارکنان بانک مرکزی، قوه قضاییه و وزارت اطلاعات و یک خبره به نمایندگی از دیده‌بان شفافیت و عدالت (که مورد اعتماد سپرده‌گذاران است) داده شود و دو نماینده از سپرده‌گذاران بدون حق رأی نیز در هیئت حضور خواهند داشت.
۹. شفاف‌سازی کامل؛ به نظر رسد تصمیمات چنان گرفته می‌شود که منافع بان‌های عامل تأمین گردد. سپرده‌گذاران به هزینه‌هایی که برای ساماندهی کارها شده، معترضند. میزان پرداخت بانک مرکزی به بانک‌های عامل و سپرده‌گذاران روشن و شفاف نیست. در موارد مشابه دیگری نیز ابهاماتی هست. چاره کار ارائه هر اطلاعاتی است که هیئت پیشنهادی این طرح درخواست می‌کند.
۱۰. افزایش دارایی‌های تعاونی‌ها و مؤسسات؛ راهی برای حل معضل باز می‌کند. بیشترین انحراف منابع حاصل از سپرده‌ها صرف آن‌ها برای خرید ملک بوده است. چون ارزش دارایی‌های این مؤسسات بر اثر تورم شدید بالا رفته است، پرداخت مطالبات باقی مانده سپرده‌گذاران آسان‌تر شده است. البته در صورت کمبود، به کمک خود سپرده‌گذاران، دارایی‌های مدیران و سهام‌داران این مؤسسات قابل‌شناسایی است. اگر باز هم کفاف نداد علی‌القعدة باید از اموال مجرمان بانک مرکزی تأمین گردد. در نهایت در صورت تأمین نشدن، نوبت به تحمیل زیان به سپرده‌گذاران متناسب با سپرده‌شان است.
۱۱. گستره مسئولیت و اختیارات و اعتبار هیئت؛ هیئت درباره همه امور مربوط به معضل و تمام تعاونی‌ها، مؤسسات مالی اعتباری و شرکت‌های سرمایه‌پذیر مانند پدیده و پردیسبان اختیار تام دارد و از پشتیبانی کامل سران سه قوه برخوردار خواهد بود.

ز. جمع‌بندی

با توجه به شواهد و مستندات موجود، مسئولان وقت بانک مرکزی و دستگاه‌های ذیربط دیگر در آن زمان را که اسامی برخی از آنها در دو اعلام جرم دیده‌بان آمده است، از مصادیق بارز مجریان مجرمی هستند که ترک فعل‌های بسیار هلاکت‌بار، آنان را مستحق شدیدترین مجازات‌ها می‌کند. مسببین اصلی این فاجعه اقتصادی را مسئولان بانک مرکزی دانسته و معافیت سران سه قوه از مسئولیت، تشکیل هیئت کارشناسی امین و متخصص، مشارکت سپرده-گذاران در حل مشکل، پیگرد قضایی مسئولان بانک مرکزی و دستگاه‌های دیگر، جبران خسارت‌های سپرده‌گذاران طلبکار، شفاف‌سازی کامل مناسبات بانک مرکزی و مؤسسات مالی و اعتباری را به عنوان راهبردهای خروج از بحران از دستگاه قضا مطالبه می‌کند.